

## کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران  
 Tel: 0049 1633458007  
 E-mail: asangaran@aol.com  
 مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالکلیریان  
 Tel: 00358 405758250  
 E-mail: abdulgolparian@yahoo.com  
 همکاری سر دبیر: بهمن خانی  
 E-mail: khani@live.nl

[www.iskraa.org](http://www.iskraa.org)

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت  
[www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com)



اساس سوسیالیسم  
 انسان است.  
 سوسیالیسم  
 جنبش بازگرداندن  
 اختیار به انسان است.

# ایسکرا

## ۳۷۵

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۴ مرداد ۱۳۸۶، ۱۵ اوت ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدالکلیریان [abdolgolparian@yahoo.com](mailto:abdolgolparian@yahoo.com)

### احکام ۱۳ نفر از کارگران اول مه سنندج از سر استیصال و در ماندگی رژیم اسلامی است



عبدالکلیریان

زندگی و معیشت کارگران، تعرض به خواست و مطالبات آنان و فراهم نمودن فضای رعب و وحشت بر جنبش کارگری و تحمیل بیشترین فشارها بر زندگی کسانی است که اوباشان و لاشخورهای رژیم

از این ۲ سال و نیم قابل تبدیل به جرایم نقدی می باشد. این احکام قبل از هر چیز گویای این واقعیت است که رژیم اسلامی حامی سرمایه داران، در هراس و وحشت از رشد و اتحاد در درون طبقه کارگر به هراس افتاده است. تعرض لجام گسیخته رژیم اسلامی به سطح معیشت کارگران، شرایط برده واری را تا همینجا بر زندگی کارگران و خانواده هایشان تحمیل کرده است. احکام صادره توسط دادگاه رژیم در سنندج برای این ۱۳ نفر، نشان از تحمیل فقر بیشتر به

دادسرای شعبه ۱۰۴ دادگاه عمومی جزایی سنندج در مورد یازده نفر از کارگران بازداشت شده در اول مه ۸۶ سنندج، احکامی را مبنی بر ۹۱ روز حبس و ده ضربه شلاق صادر کرده است. ۵ روز بعد از صدور این حکم، دادگاه عمومی جزایی سنندج، شیث امانی رئیس هیئت مدیره و صدیق کریمی عضو هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار، هر کدام را به ۲ سال و نیم زندان محکوم کرد. بر اساس حکم این دادگاه، برای شیث امانی مدت ۶ ماه و برای صدیق کریمی یکسال

### تشدید سرکوبها، استیصال رژیم اسلامی سخنی با فعالین جنبشهای اعتراضی



محمد آسگران

کنترل داشته باشند. آنها نگران گسترش اعتراضات و تعرض به نیروها و اماکن دولتی بوده اند.

تصمیم گرفته اند که فضای شهر را بیش از پیش نظامی کنند. به همین دلیل در هر چهار راه و محل تردد مردم، نیروهای انتظامی و امنیتی با تعداد بیشتری مستقر شده اند. از روز ۱۷ مرداد به طور محسوسی نیروهای انتظامی و لباس شخصی در سطح شهر گشتهایشان بیشتر شده و تعدادی از نیروهای ضد شورش و گارد ویژه هم

طبق اخبار رسیده چند روز قبل فرمانده کل نیروهای انتظامی از تهران به سنندج آمده است. یکی از موضوعات مورد بحث او با فرماندهان محلی و مقامات دولتی در شهر سنندج این بوده است که چگونه میتوانند اوضاع شهر را در

### قطعنامه در باره جنبش آزادی زن در ایران مصوب دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران (به اتفاق آراء)

صفحه ۴

صفحه ۳

جنایتی دیگر در منطقه خاتین عراق، کشته شدن یک دختر ۱۱ ساله

صفحه ۵

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار

صفحه ۶

کشته شدن ۳ نفر توسط مزدوران رژیم در بانه

صفحه ۶

دستگیری ۲ دختر نوجوان در سنندج به بهانه "بدحجابی"

صفحه ۶

ملاقات هیئتی از طرف کمین اعتراضی به اعدامها در ایران با نمایندگان وزارت امور خارجه آلمان

### شیث امانی و صدیق کریمی به زندان و پرداخت جریمه محکوم شدند



شیث امانی

صدیق کریمی

کرد. بر اساس حکم این دادگاه، برای شیث امانی مدت ۶ ماه و برای صدیق کریمی یکسال از این ۲ سال و نیم قابل تبدیل به جرایم نقدی می باشد. شیث امانی و صدیق کریمی در جریان برگزاری مراسم اول ماه امسال

صفحه ۵

بنا به خبری که روز ۱۵ اوت، برابر با ۲۴ مرداد در سایت "اتحاد"، سایت "اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار" درج گردید، دادگاه عمومی جزایی سنندج شیث امانی، رئیس هیئت مدیره و صدیق کریمی، عضو هیئت مدیره این تشکل را هر کدام به ۲ سال و نیم زندان محکوم

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## تشدید سرکوبها، استیصال رژیم اسلامی . . .

## احکام ۱۳ نفر از کارگران اول مه سنندج

ازصفحه ۱

اسلامی از قبل دست رنج آنان دارند به حیاط ننگین و نکبت بار خود ادامه می دهند. اگر قرار باشد دادگاهی برپا شود و به صدور حکم بپردازد، این دادگاه باید محاکمه کنندگان نمایندگان کارگرانی باشند که رژیم اسلامی سرمایه، زندگی و هستی آنان را به تباهی کشانیده است. این دادگاه باید محاکمه شوندگان سران رژیم اسلامی و کارفرمایان ریز و درشت باشند که به جرم بیش از دو دهه تحمیل فقر، بیکاری، اخراج، استثمار، زندان، کارگر ربایی و آدم کشی، زندگی نسلی را به تباهی کشانیده است. اقدام اخیر دادگاه رژیم اسلامی در سنندج و صدور احکام ضد کارگری اش، دقیقاً در راستای جلوگیری و خنثی نمودن جنب و جوشی است که در اعتراضات و مبارزات کارگری خود را نشان می دهد. رژیم اسلامی زنگ خطر را بخوبی حس کرده است. طبقه کارگر در ایران از يك همبستگی و پشتیبانی جهانی برخوردار است. اقدام ۱۸ تیر در بیش از ۳۰ کشور جهان و در دفاع از کارگران ایران و فعالین بازا داشت شده در زندانهای حکومت، لرزه بر پیکر رو به زوال این رژیم انداخته است.

اما این بار نوبت طبقه کارگر ایران است که برای دفاع از حقوق انسانی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود و کل جامعه، به میدان بیاید و با صفی متحد و متشکل، یکبار برای همیشه بساط استثمار و کثافت سرمایه داری اسلامی را جارو کند و بر ویرانه های آن، حاکمیت سیاسی و شورایی خود را اعمال کند

برای برچیدن این احکام ضد کارگری که توسط دادگاه سنندج صادر شده است، برای دفاع از حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کارگران، برای دادن درس عبرتی به رژیم اسلامی و جیره خوارانش در دادگاههای مسخره و فرمایشی اش در سنندج و هر جای دیگر، باید متحد و یکپارچه به این احکام اعتراض کرد.

کارگران و مردم شهرهای کردستان همانگونه که بارها نشان داده اند، می توانند به شیوه های مختلف نسبت به این تعرضات و توهین و بی حرمتی به کارگران و کل مردم در جامعه، اعتراض کنند. سکوت و بی تفاوتی در مقابل چنین احکامی، رژیم هار جمهوری اسلامی را هارتر و درنده تر خواهد کرد. در شرایطی که پشتیبانی و همبستگی جهانی در دفاع از فعالین کارگری قاره ها را درنور دیده است، جا دارد که کارگران بخشهای مختلف تولیدی در ایران و بویژه در شهرهای کردستان، در محکومیت این احکام ضد انسانی رژیم اسلامی و با حضور گسترده در مقابل دادگاه، دادگستری، و دیگر نهادهای سرکوبگر رژیم، به این احکام اعتراض کنند. با حرکت بر پیکر رو به زوال این رژیم انداخته است.

اما این بار نوبت طبقه کارگر ایران است که برای دفاع از حقوق انسانی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود و کل جامعه، به میدان بیاید و با صفی متحد و متشکل، یکبار برای همیشه بساط استثمار و کثافت سرمایه داری اسلامی را جارو کند و بر ویرانه های آن، حاکمیت سیاسی و شورایی خود را اعمال کند

برای برچیدن این احکام ضد کارگری که توسط دادگاه سنندج

و تشکلهای موجود با هر محدودیتی که داشته باشند ستونهای محکمی در پیشبرد رادیکالیسم و انقلابیگری در جامعه هستند. نقش جنبش همبستگی جهانی با طبقه کارگر ایران در هیچ دوره ای از تاریخ به این اندازه در سطح دنیا مطرح نبوده است. رهبران کارگری در ایران در هیچ تاریخی تا به این حد جهانی و شناخته شده نبوده اند.

کشورهای غربی اگر سالهای قبل در مقابل کشتار مردم ساکت بودند و سعی میکردند با رژیم اسلامی کنار بیایند، اکنون موازنه قوا و رقابتهای دو قطب تروریستی به حدی رسیده است که زبان به اعتراض گشوده اند. اتحادیه های کارگری و سازمانها مدافع حقوق انسانی اگر با سیاست نسبیت فرهنگی سالهای قبل سنگسار و اعدام و دستگیریها در مسایل داخلی و بخشی از فرهنگ مردم قلمداد میکردند اکنون افکار عمومی دنیا را طوری مطلع کرده اند که کسی بجز جریانات اسلامی تروریست روی خوش به جمهوری اسلامی نشان نمیدهد. در همین يك سال و اندی پیش تا کنون دو بار در سطح جهان اقداماتی بین المللی در دفاع از کارگران ایران انجام گرفته است که در نوع خود اگر نگویم بیسابقه اما کم سابقه است. این اقدامات بین المللی به فراخوان اتحادیه های کارگری تنها نوشتن نامه و محکوم کردن رژیم اسلامی نبوده است بلکه جلو سفارتخانه های رژیم و مراکز شهرهای عمده دنیا به محلی برای ابراز انزجار از رژیم اسلامی تبدیل شد. و . . .

اینها و دهها فاکتور داخلی و بین المللی دیگر جامعه ایران را در موقعیت منحصر به فردی قرار داده است. بی خاصیتی و بی آلترناتیوی جریانات راست برای بخشهای فعال و موثر جامعه عیان شده است. جنبش ملی اسلامی و جنبش راست پروغرب طرحهایشان یکی بعد از دیگری با شکست روبرو شده است. شخصیتهایشان یکی پس از دیگری بی اعتبار شده و محلی از اعراب ندارند. تنها امید جامعه اکنون به

اشتباهند. معادله به گونه دیگری است. رژیم اسلامی از ترس گسترش بیش از پیش اعتراضات مردم و کارگران به سیاست تعرض به فعالین این جنبشها روی آورده است. کسی که این معادله را برعکس میبیند نه مکانیسم تغییر جامعه را میشناسد و نه تحولات جنبشهای اجتماعی را میشناسد.

حقیقت این است که رژیم اسلامی از ترس تعرض مردم به سیاست ارباب روی آورده است. اما مردم کوتاه نمی آیند. تحولات اخیر نه به نفع رژیم که بشدت به ضرر رژیم پیش می رود. تعادل قوا هم در سطح بین المللی و هم در سطح داخلی به ضرر رژیم اسلامی است. این يك معادله ساده است که در آخر این پروسه جمهوری اسلامی زیر ضرب تعرضات مردم میشکند. سران این رژیم این معادله را حساب کرده اند و به این نتیجه رسیده اند که باید با اعدام، سنگسار، زندان و قنوت و نیروهای مسلح، مردم را مرعوب کنند. مردم هم میدانند که دوران قدر قدرتی رژیم اسلامی تمام شده است. این جانوران درنده را باید در قفس کرد.

رژیم نمیتواند سرکوبهای دهه ۶۰ را دوباره تکرار کند. آن دوره گذشته است. فاکتورهای پایدار و ریشه ای در جامعه تغییر کرده است. نسل جدیدی در مقابل رژیم اسلامی قرار گرفته است. این تغییر نسلی یکی از فاکتورهای اساسی است که توقعات و تصویرش از دنیا و سهمش از زندگی بسیار متفاوت با نسل قبلی است. جریانات و احزابی که اکنون در میدان سیاست تاثیر گذارند بسیار متفاوت از آن دوره هستند. سانسوری که رژیم در دهه ۶۰ توانسته بود به جامعه تحمیل کند اکنون ممکن نیست. هیچ قدرتی نمیتواند در این دوره و زمانه مردم ایران را از اخبار و تحولات سیاسی بیخبر نگهدارد. چپ و کمونیسم کارگری اکنون بیش از همیشه شناخته شده و معتبر است. رهبران و سخنگویان جنبشهای اعتراضی با سیاستی رادیکال اکنون در جامعه ایران بسیار شناخته شده تر و موثرتر نقش بازی میکنند. جنبش کارگری

در اماکن معینی مستقر شده اند. با مستقر کردن نیروهای انتظامی در همه چهار راهها و محلهای پر رفت و آمد عملاً يك حکومت نظامی اعلام نشده را به اجرا گذاشته اند. این اوضاع کم و بیش در شهرهای دیگر هم وجود دارد.

به دنبال جنب و جوش و تحرك فعالین جنبشهای اجتماعی این شهر علیه احکام اعدام عدنان حسن پور و هیوا بوتیمار و مصلح زمانی و در اعتراض به دستگیریهای اخیر در شهرهای کردستان، جمهوری اسلامی نگران از این است که کنترل اوضاع شهر را از دست بدهد.

جمهوری اسلامی با شدت بخشید به دستگیریها و احکام زندان و اعدام و . . . نهایتاً به صدور حکم شلاق و زندان برای ۱۱ نفر از فعالین کارگری سنندج دست زده است. رژیم با این سیاستها عملاً به يك تقابل آشکار با مردم روی آورده است. این يك کشمکش و زور آزمایی مردم و رژیم اسلامی است. عمق تنفر و پتانسیل اعتراضی مردم علیه خود مطلع است. مسئولین رژیم میدانند که مردم مترصد فرصتی هستند که اعتراضشان را به کل این ماشین کشتار به خیابان بکشند. به همین دلیل آنها به منظور ادامه حاکمیت منحوس خود، راهی بجز سرکوب خشن پیش روی خود نمیبینند.

بر خلاف تصورات جریانات خرده بورژوازی کوتاه بین و محدودنگر مردم نا امید نیستند. مردم عقب ننشسته اند. این يك رودرویی آشکار و يك جنگ و گریز است که در هر مقطعی به شکلی خود را نشان میدهد. این زور آزمایی جبهه انسانیت علیه ارتجاع اسلامی سرمایه داران است. سیر تحولات سیاسی پایدار در جامعه تا کنون به ضرر رژیم اسلامی پیش رفته است. در این مقطع زمانی اگر کسی بخواهد فقط از يك لحظه این تحولات عکس بگیرد، ممکن است به نتایجی ۱۸۰ درجه متفاوت برسد. کسانی که فکر میکنند مرعوب شدن مردم باعث تعرض رژیم اسلامی شده است سخت در

**یک دنیای بهتر**  
**برنامه حزب را بخوانید**  
**و در سطح وسیع توزیع کنید**

## تشدید سرکوبها، استیصال رژیم اسلامی . . .

### جنایتی دیگر در منطقه خائنین عراق، کشته شدن یک دختر ۱۱ ساله



عبدل کلیریان

بنا به خبر روزنامه میدیا و هاوالاتی، این دختر ۱۱ ساله بوسیله بلوک کشته شده و سپس جنازه اش را سوزانده و در مکانی پرت می شود. همین روزنامه گزارشی از آمار کشته شدن زنان بعد از سنگسار دعا را ۴۰ نفر اعلام کرده و در میان این ۴۰ نفر سارا ۱۱ ساله را که در خائنین سنگسار شده است و دختر ۱۲ ساله دیگری که بدست پدرش و به جرم دوست داشتن یک پسر همسایه کشته شده است، دیده می شود.

چنین جنایاتی با تخمین هر روز برای گرفتن جان یک انسان و مثله کردن دختران خردسال، میراث نظم نوین جهانی در عراق و تحت حاکمیت جانوران اسلامی و احزاب ناسیونالیست کرد است. احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد و باندهای اسلامی در حاکمیت عراق و منطقه کردستان، سر راست بانی و حافظ این جنایات و وحشیگری هستند. قوانین حکومتی حاکمان ضد کودک و ضد زن در این منطقه، با الگو برداری از قوانین رژیم سرپا نکبت جمهوری اسلامی، هستی، زندگی و جان این دختران خردسال را به چنین روزی انداخته است. سنت و فرهنگ قرون وسطا ای اسلام و مرد سالاری، آن چیزی است که این حاکمان در ورای آن به تداوم موجودیت ضد بشری خود ادامه می دهند.

دردناک و زجر آور است، این وضع شایسته ما نیست، این وضع توهین به حرمت و کرامت زنان و دختران خردسال است. تا کی باید شاهد چنین جنایاتی باشیم؟ حاکمان ناسیونالیست کرد در کردستان عراق، بانی و مسبب چنین وضعی در منطقه

نمایش میگذارد بلکه کوتاه بینی و محدودنگری خود را نیز نشان میدهد.

اما پیروزی کارگران و مردم آزادیخواه درگرو اتحاد و همبستگی مبارزاتی آنها است. باید تلاش کنیم صفوف خود را متحد و یک پارچه کنیم. پراتیک انسانی، سیاست دخالتگری و شناخت درست از اوضاع سیاسی فعلی و تعادل قوای موجود میان مردم و جمهوری اسلامی همراه با تاکتیک تعرضی و به موقع فاکتورهای مهمی در شکست رژیم اسلامی است. مردم در شرایط کنونی باید با اتحاد و همبستگی بیشتری به میدان آمده و روز مرگ حکومت اسلامی را نزدیکتر کنند. برای عملی شدن این سیاست در قدم اول فعالین جنبشهای اعتراضی و در راس آنها فعالین و رهبران کارگری باید ارزیابی واقعیبینانه ای از تعادل قوا و سیر حوادث سیاسی در ایران و جهان داشته باشند. بدون یک تحلیل درست و مارکسیسی نمیتوان تاکتیک درست اتخاذ کرد. همچنانکه جریانات دیگر را میبینیم که از همین حالا و در بتن جنگ و جدال اجتماعی موجود، شکست جنبشهای اعتراضی را اعلام و پیروزی رژیم را پذیرفته اند.

اما کمونیستها قرار نیست فقط در دورانیهای خوش نقش بازی کنند. همین حد از دستاوردهای فعلی هم بدون نقش آگاهانه و با برنامه کمونیستها و در راس آنها حزب کمونیست کارگری باید در همین دورانیهای پیچیده لیاقت و توان تحلیل و راه برون رفت جنبشهای اعتراض و پیشروی جامعه را نشان بدهند و در راس مبارزات مردم قرار گیرند. قبل از همه این کار و وظیفه کمونیستهای کارگری و فعالین حزب کمونیست کارگری است.

۱۰ اوت ۲۰۰۷

ننشسته است بلکه قدمهای زیادی به جلو برداشته است. در مقابل این پیشروی مردم و کارگران است که جمهوری اسلامی شمشیر از رو بسته و میخواید بگوید هنوز توان کشتار و سرکوب دارد. سران این حکومت میخواید بگویند رژیم اسلامی هنوز دندان گاز گرفتن دارد و میتواند به این تحولات ریشه ای و اعتراضات به حق مردم و کارگران خون پیاشد.

اما مردم و بویژه فعالین کارگری نباید این فرصت را به آنها بدهند. راه مقابله با این وحوش اسلامی گسترش اعتراضات و عمق دادن به آن است. هیچ راه میانبر دیگری وجود ندارد. این جنگی است که یکی از طرفین پیروز و طرف مقابل باید شکست بخورد. راه سازش و میانی وجود ندارد. بالا بردن پرچم سفید از جانب بعضی از جریانات نمیتواند در میان مردم جایگاهی پیدا کند. این جریانات با یک تعرض مردم به اغراق گویی روی می آورند و بایک جنگ و گریز که جمهوری اسلامی در آن دست و پا میزند فوراً فریاد شکست جنبشهای اعتراضی را به صدا در میآورند.

چنین جریاناتی جای اعتماد نیستند. کسی هم به حرفشان گوش نمیدهد. مردم تصمیمشان را گرفته و این رژیم را نمیخواهند. معلوم است در جریان این جنگ سخت و بی رحمانه مثل هر نبرد دیگری ممکن است افت و خیزهایی به طرفین تحمیل شود. اما آنچه مسلم است به حکم فاکتورهای بسیار پایدار و اصلی که در بالا به نکاتی از آن اشاره کردم، مردم در این نبرد رژیم اسلامی را شکست میدهند. نه در بلند مدت بلکه در کوتاه مدت این رژیم شکست خواهد خورد. زیرا روحیه اعتراض و آگاهی و توقع و توان مردم اینرا نشان میدهد. کسی که قدرت و توان تشخیص مردم را با نا امید و عقب نشینی توضیح میدهد نه تنها بی ربطی خود را به

یک آلترناتیو رادیکال و چپ است. اما باید تلاش کرد این آلترناتیو مورد اقبال و پشتیبانی عمومی قرار گیرد. گره کار همینجا است. و این موضوعی است که اینجا مجال پرداختن به آن نیست.

این دو تصویر متفاوت و متضاد و در تقابل با هم هستند. مردم آزادیخواه و جمهوری اسلامی در دو طرف این جدال قرار گرفته اند. به همین دلیل نیروهای محرکه خود را دارند. این نیروها مدام در حال کشمکش و جنگ و گریز هستند. این جنگی است که در ابعادی تازه با مولفه های جدید پیش برده میشود. نتیجه قطعی این جنگ فقط هنگامی به نفع مردم و جبهه آزادیخواهی تمام میشود که فعالین کارگری و فعالین کمونیست قبل از هر چیز تحلیل درستی از اوضاع داشته باشند. اینکه رژیم اسلامی بازنده این جنگ است نباید شک کرد. اما بحث این است که برنده چه کسی خواهد بود. راست جامعه علیرغم شکستهای پی در پی هنوز از امکانات مالی و تبلیغاتی وسیعی برخوردار است. اگر چپ جامعه نتواند هژمونی سیاسی خود را در اعتراضات مردم به رهبری اعتراضات ارتقا بدهد این دستاوردها هنوز قابل بازپس گیری است. جریانات راست جامعه در تلاطمهای اجتماعی با ترسندها و پشتیبانی مادی و تبلیغاتی بین المللی میتوانند دوباره میدان دار شوند. این آن موضوعی است که نباید از آن غافل شد.

در میان جریانات اپوزیسیون کسانی نتایج این جنگ و گریز را پیروزی رژیم اسلامی اعلام کرده اند. کسی که قدم اول این زور آزمایی را به نفع رژیم اسلامی پذیرفته است، عملاً حکم شکست خود را امضا کرده است. اما واقعیت این است که تعادل قوای فعلی و قدرت و توان جنبشهای اعتراضی و در راس آنها جنبش کارگری نه تنها عقب

**اساس سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگر داندن اختیار  
به انسان است.**

## قطعنامه در باره جنبش آزادی زن در ایران مصوب دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران (به اتفاق آراء)

۱- عامل بقا و بازتولید فرودستی زن در دنیای امروز نظام سرمایه داری است. ستمکشی زن دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی، و فرهنگی است و در همه جوامع موجود به درجات مختلف در این ابعاد قابل مشاهده است. جنبش علیه تبعیض جنسی نیز جهانی است.

۲- در دوران پسا جنگ سرد افسارگسیختگی سرمایه داری بازار آزاد، سلطه نئوکنسرواتیسیم، و عواقب سیاسی و اجتماعی نظم نوین جهانی نظیر بجلو رانده شدن مذهب و قومیت در جامعه و سیاست، و رونق یافتن مکاتب ارتجاعی نظیر نسبیست فرهنگی و نفی ارزشهای جهانشمول انسانی، به تنزل موقعیت و حقوق زنان در جامعه منجر شده است. در چنین شرایطی مبارزه علیه ستم بر زنان، مانند مبارزه علیه هر نوع تبعیض و نابرابری، اساسا میتواند از یک موضع چپ و تحت پرچم نقد و اعتراض سوسیالیستی به کل وضع موجود به پیش برود، وضعیت زنان را بهبود ببخشد و در نهایت آزادی زن را متحقق کند. در شرایط امروز دنیا جنبش چپ و کمونیسم کارگری نیروی محرک و پیشبرنده جنبش علیه تبعیض جنسی است.

۳- جمهوری اسلامی نمونه بارز توحش و عقب ماندگی بورژوازی عصر نظم نوین سرمایه داری در برخورد به مساله زن است. در ایران ستم بر زنان به افراطی ترین و صریح ترین اشکال اعمال میشود. فرودستی و تحقیر زن، تحمیل شدیدترین تبعیضات حقوقی و اقتصادی و اجتماعی به زنان و آپارتاید جنسی یک رکن ایدئولوژیک و هویتی جمهوری اسلامی و جزئی از فرهنگ رسمی و قوانین دولتی در ایران است. جمهوری اسلامی یک حکومت آپارتاید جنسی است که فرودستی زن، تحقیر زن و تبعیض نسبت به زنان را بمراتب تشدید کرده، به آن ابعاد وسیع و بیسابقه ای داده و در قوانین و سیستم حقوقی خود رسمیت بخشیده است.

۴- در افکار عمومی و فرهنگ

جامعه، دردرد مردم از نقش و جایگاه زن و بویژه تلقی و انتظار زنان از موقعیت خود در جامعه، و در روابط خانوادگی و اجتماعی مردم با یکدیگر، حرمت و جایگاه زن بسیار بالاتر از موقعیت قانونی و رسمی زن است که حکومت اسلامی به جامعه تحمیل کرده است. این تقابل در یک مقیاس وسیع اجتماعی یکی از عوامل مهم رشد و گسترش جنبش علیه تبعیض جنسی در ایران است.

۵- در ایران مساله زن قبل از هر چیز یک مساله صریحا و بلاواسطه سیاسی است و مستقیما به بود و نبود جمهوری اسلامی مربوط میشود. ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ستمکشی زن در ایران بوسیله حکومت وسعت یافته و تشدید شده است.

هر درجه پیشروی جنبش آزادی زن جمهوری اسلامی را بعنوان یک حکومت و نظام تضعیف میکنند و بر عکس هر اندازه تقویت سلطه جمهوری اسلامی اعمال فشار و تبعیض نسبت به زنان را تشدید میکند. این واقعیت بیش از هر چیز در مساله حجاب و "بدحجابی" زنان، که در واقع به یک بارومتر سیاسی و معیار سنجش درجه ضعف و قدرت رژیم تبدیل شده، قابل مشاهده است.

۶- مبارزه برای آزادی زن در ایران از مبارزه برای جدائی مذهب از دولت و سیستم آموزشی، و مذهب زدائی از کل جامعه و زندگی اجتماعی مردم جدائی ناپذیر است. جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت مبتنی بر مذهب و ایدئولوژی و قوانین مذهبی مانع اصلی رهایی زن و هرگونه بهبود در موقعیت زنان در ایران است.

۷- جنبش علیه ستم جنسی در ایران از همان بدو بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی در ابعاد گسترده ای شکل گرفته و به پیش رفته است. زمینه و پایه عینی این جنبش اعتراض علیه تحقیر و فرودستی و بیحقوقی مفرطی است که جمهوری اسلامی به زنان تحمیل کرده است.

جنبش علیه تبعیض جنسی در

طول ۲۸ سال گذشته در اشکال مختلفی علیه ستم و سرکوب سازمانیافته بر علیه زنان در دانشگاه و مدرسه، در کارخانه و اداره، در خیابان و خانواده جریان داشته است. اعتراض هر روزه و دائمی علیه حجاب اسلامی، پس زدن سیاست جدا سازی زنان و مردان، زیر پا گذاشتن قوانین تبعیض آمیز بر علیه زنان، مقابله عملی با تلاش جمهوری اسلامی برای خانه نشین کردن زنان، و همچنین حضور فعال زنان در عرصه تحصیل و آموزش، مخالفت با آموزش خرافات مذهبی که موقعیت فرودست زن را تقدیس می کند، تلاش برای کسب حقوق برابر در امور مربوط به خانواده، ازدواج، طلاق و سرپرستی اطفال و همچنین مخالفت با اخلاقیات و سنتهای مرد سالارانه جلوه های مهمی از این مبارزه دائمی بوده است.

۸- مبارزه علیه حجاب، علیه آپارتاید جنسی، علیه قوانین اسلامی و سیستم حقوقی ضد زن، مبارزه برای جدائی مذهب از دولت و قوانین و آموزش و پرورش، و مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت ضد زن، مهمترین عرصه های جنبش آزادی زن در ایران است. موقعیت و نقش جنبشهای اجتماعی و نیروهای سیاسی در قبال مساله زن اساسا بر مبنای مواضع و برخوردشان به این مسائل و بویژه مواضع آنها در مقابل جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت ضد زن و اصلی ترین مانع بر سر آزادی زنان تعیین میشود.

۹- کل نیروهای اپوزیسیون راست، اعم از سلطنت طلبان و نیروهای ملی اسلامی مانعی بر سر راه برابری زن و مرد و آزادی واقعی زنان محسوب میشوند. جریانات سلطنت طلب و کل طیف ناسیونالیستهای پرورغرب تلاش دارند تا بی حقوقی مفرطی که جمهوری اسلامی به زنان تحمیل کرده است را دلیلی بر مطلوبیت وضعیت گذشته قلمداد کنند و جنبش علیه تبعیض جنسی را به زائده حرکت راست و رو به عقب ناسیونالیسم عظمت طب ایرانی

تبدیل نمایند. اما رادیکالیسم جنبش آزادی زن در مبارزه با مذهب و حکومت مذهبی و آزادی خواهی و برابری طلبی ماکسیمالیستی اش مانع از آن شده است که ناسیونالیسم پرورغرب نفوذ جدی در این جنبش داشته باشد. ناسیونالیسم پرورغرب هیچ زمان، نه در قدرت و نه در اپوزیسیون، خواهان آزادی و برابری زن و مرد نبوده است. ناسیونالیسم از آنجا که خود به فرهنگ مردسالارانه و سنتی مبتنی است و از آنجا که نهایتا خواهان حفظ مذهب رسمی و نقش بنیادی مذهب در جامعه است، عملا در مقابل رادیکالیسم جنبش آزادی زنان قرار گرفته و بدرجات زیادی در این جنبش منزوی است.

۱۰- جریانات مختلف اپوزیسیون ملی اسلامی نظیر دوخردای ها با علم کردن "فمینیسم اسلامی" و خواست یک جمهوری اسلامی اصلاح و تلطیف شده تلاش دارند جنبش علیه ستم جنسی را به حرکتی قانونگرایانه در چارچوب جمهوری اسلامی محدود کنند. این جریانات تحت لوی قانون گرایی و فمینیسم میکوشند تا اعتراض و مبارزه جنبش آزادی زن علیه جمهوری اسلامی و حجاب و آپارتاید جنسی اش را مهار کنند و به بیراهه ببرند. نیروهای ملی - مذهبی بخاطر خصلت عینی ضد مذهبی و ضد جمهوری اسلامی جنبش آزادی زن در این جنبش پایگاه مادی ندارند و روز بروز بیشتر منزوی میشوند.

۱۱- هم گرایش راست پرورغری و طرفدار سلطنت و هم جنبش ملی اسلامی به دلیل پایبندی عمیق و ماهوی خود به مذهب و سنتهای مردسالارانه و وحشت خود از تحولات ریشه ای در جامعه، نه فقط بهیچ وجه قادر به پاسخگویی به مساله زنان در ایران نیستند بلکه از نظام و سیستمهای اجتماعی و سیاسی ای دفاع میکنند که ستمگری علیه زنان جزء ذاتی آنهاست. آنچه آنها را در این زمینه از هم متمایز میکند درجه و اشکال ستمگری و تبعیض علیه زنان است. این جریانات با جنبش آزادی زن و

خواستههای آزادی طلبانه زنان بی ربطند.

۱۲- بطور عینی و واقعی، نیروی که مبارزه برای آزادی زن در ایران را نمایندگی میکند و آنرا به جلوسوق میدهد چپ و کمونیسم کارگری و آزادیخواهی چپ و سوسیالیستی در ایران از همان تظاهرات علیه حجاب در اسفند ۵۷ بعنوان پرچمدار و مدافع بی تحقیر مبارزه علیه حجاب، علیه حکومت مذهبی، و برای برابری بی قید و شرط زن و مرد در ایران ظاهر شده است. خواست ها و شعار های رادیکالی که اکنون در جنبش رهایی زن در ایران جا باز میکند، از "لغو آپارتاید جنسی" تا "لغو حجاب" تا برابری بی قید و شرط زن و مرد در تمامی عرصه های سیاسی و اقتصادی و خانواده تا شعار "آزادی زن، آزادی جامعه است" همه و همه با مطالبات و برنامه و مبارزه کمونیسم کارگری و حزبش و مجموعه تلاش های سوسیالیستی بویژه در دو دهه گذشته در ایران گره خورده است. تثبیت ۸ مارس در مقابل آلترناتیوهای اسلامی و سلطنتی تحت نام روز زن و دست بالا داشتن شعارهای چپ و رادیکال در جنبش رهایی زن و خصلت آزادیخواهی بی تحقیر آن تماما انعکاس حضور قدرتمند چپ و آزادیخواهی سوسیالیستی در ایران است. از سوی دیگر وجود یک جنبش رادیکال و چپ آزادی زن خود وجهی از قدرت و پایه اجتماعی چپ در ایران است.

۱۳- جنبش رهایی زن در ایران بخش رادیکال، پرتحرک و پیشتاز حرکتی جهانی در مقابله با ارتجاع قومی و مذهبی و به شدت زن ستیز در دوره عروج نئوکنسرواتیسیم و اسلام سیاسی و عقبگردهای سرمایه داری معاصر است. آزادی زن در ایران تاثیرات مستقیمی بر جنبش رهایی زن در همه کشورها و جوامع اسلام زده، و حتی جوامع غربی که به یمن سیاست های سازشکارانه دولت ها با اسلام سیاسی به انواع مماشنت در قبال

## قطعه نامه در باره جنبش آزادی زن در ایران . . .

۱۴- رهایی زنان در قدم اول در گرو این است که جنبش آزادی زن حول خواست های همه جانبه و رادیکال خود در ابعاد وسیع و توده ای متشکل شود. باید مواضع و نیروهای بازدارنده ای نظیر جریان های ملی-اسلامی نقد و افشاء شوند و خنثی گردند. چپ و رادیکالیسم نه

حجاب، قتل های ناموسی و قوانین ضد زن اسلامی تن داده اند، خواهد داشت. در عین حال حمایت مردم آزادیخواه و برابری طلب و سکولار جهان از مبارزه و خواست های جنبش علیه تبعیض جنسی در ایران نقش موثری در پیشروی این جنبش ایفا میکند.

است. نمایندگی کردن جنبش آزادی زن در صحنه سیاست ایران در ابعاد وسیع و همینطور در صحنه بین المللی اکنون بیش از پیش به فعالیت چپ و مشخصا حزب کمونیست کارگری گره خورده است. حزب همه فعالین و نیروهای که خواهان حل واقعی و ریشه ای مساله زن، تحقق برابری و آزادی کامل و همه جانبه زنان و هر نوع بهبودی در موقعیت زن هستند را به اتحاد و

مبارزه حول پرچم، شعارها و سیاست حزب کمونیست کارگری و تامین يك رهبری چپ و رادیکال در جنبش علیه ستمگشی زن فرامیخواند.

دفتر سیاسی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۶ مرداد ۱۳۸۶، ۱۷ اوت ۲۰۰۷

## اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار www.ettehade.com

ضمن اعلام همبستگی با "روز بین المللی برای اقدام" که از طرف کنفدراسیون اتحادیه های کارگری و فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل اعلام شده است مصرا نه خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط محمود صالحی و منصور اسالو از زندان و لغو احکام صادره بر علیه یازده نفر از کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سنندج هستیم.

دنبال فراخوان اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار برای اعلام همبستگی با "روز بین المللی برای اقدام" و اعتراض به تداوم بازداشت محمود صالحی و منصور اسالو و لغو فوری احکام بازداشت شدگان مراسم اول ماه مه در سنندج، کارگران کارخانه های نساجی شاهو، کارخانه پرریس، نساجی کردستان و برخی دیگر از کارگران در سنندج با امضای طوماری خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط محمود صالحی و منصور اسالو از زندان و لغو فوری احکام صادر شده برای ۱۱ نفر از کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سنندج شدند.

۱- علی یزدانی ۲- جبار خدا مرادی ۳- هادی زارعی ۴- حسن زارعی ۵- صدیق کریمی ۶- چیمین سلیمی ۷- اسماعیل کاظمی ۸- محمد نعمتی ۹- حسین قادری ۱۰- اسداله کریمی ۱۱- یداله ارغوانی ۱۲- کاظم صالحی ۱۳- زاهد کریمی ۱۴- یداله سلیمی ۱۵- یوسف بشیری ۱۶- محمود رحمانی ۱۷- هاشم ۱۸...

متن این طومار و اسامی امضا کنندگان بشرح زیر است:  
ما امضا کنندگان این بیانیه

عزیزی ۵۰- فایق کسبخری ۵۱- حبیب اله کلکانی ۵۲- خالد سواری ۵۳- حسن خدامرادی ۵۴- عبدالله شیروانی ۵۵- اسماعیل کاظمی ۵۶- ناصر عزیزی ۵۷- محمد علی حبیبی ۵۸- جمال انصاری ۵۹- علی شریفی ۶۰- حسن نعمتی ۶۱- ابراهیم فتحی ۶۲- سید جمیل احمدی ۶۳- فریدون... ۶۴- امین احمدی ۶۵- غیاث علی پناه ۶۶- سید عابد ابراهیمی ۶۷- احمد محمودی ۶۸- علی سلیمی ۶۹- حسن محمدی ۷۰- یداله قاسم کریمی ۷۱- منصور محمدی ۷۲- حبیب اله ۷۳...- صالح ره شناس ۷۴- یداله حسین پناهی ۷۵- رحیم صلواتی ۷۶- صدیق قره ای ۷۷- زارعی ۷۹- حبیب اله... ۸۰- آکو گل محمدی ۸۱- رحیم صید مرادی ۸۲- باتر ظاهری ۸۳- صادق زارعی ۸۴- صدیق سیدی ۸۵- محمد

سویفی ۸۶- فرزاد حوری نژاد ۸۷- حسین قادری ۸۸- حبیب اله ملازاده ۸۹- فردین شیری ۹۰- باقر گل محمدی ۹۱- یوسف مجیدیان ۹۲- عباس بختیاری ۹۳- اسماعیل زارعی ۹۴- حبیب اله قاسمی ۹۵- ابراهیم رحیمی ۹۶- محمد امین کریمی ۹۷- عبدالله خدامرادی ۹۸- محمد دینایان ۹۹- سعید عبدالهی ۱۰۰- بهمن ۱۰۱...- زاهد مرادی ۱۰۲- سید هادی احمدی ۱۰۳- محمد فاتحی ۱۰۴- اقبال حیدری ۱۰۵- صدیق محمدی ۱۰۶- شریف ساعدیناها ۱۰۷- هوشیار چستانسی ۱۰۸- حسن زارعی..... ادامه دارد

## شیث امانی و صدیق کریمی به زندان و . . .

گذشته است. فراخوان به اعتراض جهانی ۹ اوت نمونه ای از اعتراض وسیع و گسترده بود که در سطح جهانی و در داخل کشور سازمان یافت. کارگران! مردم معترض! رهبران خود را تنها نگذارید. اگر امروز جمهوری اسلامی شیث امانی، صدیق کریمی، منصور اسالو، محمود صالحی، محمد جراحی و غیره را بتواند دستگیر کند و به کنج زندانها بفرستد، فردا هر اعتراضی را خشن تر سرکوب خواهد کرد. اجازه ندهید اینها تنها بمانند. مطالباتی را که شیث، صدیق، محمود و... مطرح کردند، مطالبات کل جامعه است. حزب کمونیست

در سنندج همراه با ۱۱ تن دیگر از اعضای "اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار" دستگیر شدند که شیث امانی و صدیق کریمی هر کدام حدود چهل روز را در بازداشت بسر بردند. رژیم اسلامی همچنین ۱۱ تن از کارگران سنندج را چند روز پیش به احکام قرون وسطانی ۱۰ ضربه شلاق و ۹۱ روز حبس محکوم کرد.

صنوع حکم زندان برای فعالین کارگری به دنبال اتخاذ سیاست رعب و وحشت رژیم است که فکر میکند میتواند جنبش اعتراضی را با آن به عقب براند. اما دوره ای که رژیم بتواند مردم را مرعوب کند و به خانه بفرستد

آزادی، برابری، حکومت کارگری  
مرکز بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۴ مرداد ۱۳۸۶ - ۱۵ اوت ۲۰۰۷

از سایت های  
حزب کمونیست کارگری ایران  
دیدن کنید

www.wpiran.org  
www.rowzane.com

سوسیالیسم پیاخیز!

برای رفع تبعیض

## دستگیری ۲ دختر نوجوان در سنندج به بهانه "بدحجابی"

روز چهارشنبه ۲۴ مرداد ۸۶ گشتهای ارشاد رژیم در خیابان ششم بهمن و در محل ایستگاه تاکسی اول خیابان تاج، دو دختر ۱۵ و ۱۶ ساله را در این ایستگاه تحت عنوان مبارزه با "بدحجابی" دستگیر و آنان را سوار بر ماشین کرده و با خود بردند. مردم حاضر در محل به این عمل وحشیانه مزدوران رژیم اعتراض کرده و خشم و نفرت خود را نسبت به این تجاوز و آدم ربایی به حریم شخصی و خصوصی مردم ابراز کردند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری، ضمن محکوم کردن این عمل ضد بشری مزدوران رژیم، از

همه جوانان و مردم آزادیخواه شهرهای کردستان می خواهد که در مقابل دست درازی های ماموران دولتی بایستند و نگذارید جوانان دختر و پسر را تحت مبارزه با "بدحجابی" دستگیر و بازداشت کنند. این طرح که به حیات و بقای رژیم گره خورده است، باید از جانب شما مردم جان به لب رسیده از دست ۲۸ سال توهین و بی حرمتی توسط این رژیم، به شکست کامل کشانیده شود.

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی  
کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۶ اوت ۲۰۰۷  
۲۵ مرداد ۸۶

## کشته شدن ۳ نفر توسط مزدوران رژیم در بانه

روزیك شنبه ۲۱ مرداد ۸۶ نیروی انتظامی رژیم مستقر در پاسگاه ساپادلو، مابین بانه - سقز، يك دستگاه خود رو حامل سوخت را تعقیب می کنند که در نتیجه ماشین حامل سوخت از جاده منحرف شده و بلافاصله دچار آتش سوزی میشود که متأسفانه دو نفر از سرنشینان این ماشین در آتش می سوزند. بدنبال این واقعه، مردم شهر بانه به این پاسگاه حمله می کنند، پاسگاه و يك دستگاه موتور سیکلیت را به آتش می کشند. نیروی انتظامی بر روی مردم خشمگین و معترض تیر اندازی می کنند و يك نفر را بقتل

می رسانند. در جریان این حادثه در مجموع ۳ نفر توسط نیروهای سرکوبگر رژیم کشته شدند.

مردم مبارز و آزادیخواه بانه! جنایات اوباشان اسلامی علیه مردم در کردستان نباید بی پاسخ بماند. اقدام شما در به آتش کشیدن مقر و پاسگاه مزدوران جنایتکار اسلامی باید همچنان پاسخ مردم بجان آمده از دست جانپان جمهوری اسلامی باشد. عوامل مزدور رژیم در نهایت وحشیگری دو نفر را طعمه آتش کردند و يك نفر را با گلوله به قتل رسانند.

کمیته کردستان حزب

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۲ مرداد ۸۶  
۱۳ اوت ۲۰۰۷

## ملاقات هیئتی از طرف کمپین اعتراض به اعدامها در ایران با نمایندگان وزارت امور خارجه آلمان

آلمان و اتحادیه اروپا به این جنایات اعتراض کرده و ما در اولین فرصت، مجدداً به این موج جدید اعدامها در ایران اعتراض خواهیم کرد. فلوریان لاودی نیز ضمن اشاره به نامه اخیر اتحادیه اروپا و مطرح بودن اعتراض به ایران، گفت، ما از طرق مختلف به جمهوری اسلامی ایران اعتراض میکنیم و این اعتراضات ادامه نیز خواهد یافت. بریت پرشل نیز در پایان این گفتگویی یکساعته اعلام کرد که بهر طریق ممکن به این اعدامها باید اعتراض کرد و نباید گذاشت اعدامها ادامه یابد. در پایان این مذاکرات متن نامه تعدادی از زندانیان سیاسی از ایران به نمایندگان وزارت امور خارجه آلمان داده شد. در این نامه زندانیان سیاسی به اعدامها در ایران اعتراض کرده و خواهان اقدامات فوری

تهدیه اخبار جنایات در ایران و بویژه موج جدید سرکوب در ایران است و عکسهای محکومین به اعدام را در اختیار نمایندگان پارلمان قرار خواهد داد. او گفت که باید به این موج جدید اعدامها اعتراض کرد و هر کس عکس کودک زیبایی را که با چشمهای وحشت زده نظاره گر اعدامها در ایران است، نگاه کند، نمیتواند حرفی نزند و کاری نکند. به این جنایات حکومت اسلامی که در آلمان یادآور جنایات دویست سال قبل دولتها و مذاهب است، باید شدیداً اعتراض کرد. در ادامه این نشست گونتر نووکه، ضمن ابراز ناراحتی از موج جدید اعدامها در ایران گفت، دولت

سالهای سال است که حکم رفتن این حکومت را داده اند. مینا احدی سپس با انتقاد از سکوت و بی تفاوتی دولت آلمان در مورد سنگسار و اعدامها در ایران و این موج جدید اعدامها خواهان عکس العمل جدی و فوری دولت آلمان شد. سپس کارل هافن رئیس جامعه بین المللی حقوق بشر گفت که ما به همراه کمیته علیه اعدام يك هفته اعتراض به جنایات اخیر حکومت اسلامی اعلام کرده و خواهان اقدامات فوری در این مورد هستیم. وی همچنین به احکام سنگسار در ایران و سنگسار جعفر کیانی اشاره کرد و گفت جامعه بین المللی حقوق بشر در این مورد کمپینی اعلام کرده و خواهان رسیدگی نهادهای بین المللی به این سنگسار و سنگسارهای دیگر است. او گفت مکرماً ابراهیمی باید فوراً آزاد شود و به يك کشور امن منتقل شود.

سپس اودا دوری دیدا، در مورد تجارب خود بعنوان مشاور احزاب سیاسی در پارلمان گفت، برخی از احزاب و سیاستمداران در جریان این اخبار نیستند و دفتر او در صدد

عصر روز سه شنبه ۱۳ ماه اوت، مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام، کارل هافن مسئول جامعه بین المللی حقوق بشر و ایدا دورا دیدی مشاور احزاب در پارلمان آلمان، با سه نفر از نمایندگان وزارت امور خارجه آلمان دیدار کردند. از طرف وزارت امور خارجه آلمان گونتر نووکه مسئول بخش حقوق بشر وزارت امور خارجه آلمان، فلوریان لاودی مسئول بخش ایران و آسیای میانه و مغرب در وزارت امور خارجه و بریت پرشل، مسئول اداره امور انسانی و کمکهای انسانی دولت آلمان، حضور داشتند.

ابتدا مینا احدی در مورد موج جدید اعدامها در ایران و اهداف جمهوری اسلامی از این جنایات و اعتراضات گسترده مردم، کارگران و جوانان و زنان در ایران حرف زد و گفت: جمهوری اسلامی ایران تقلاً میکند با این جنایات و نمایش آنها از رسانه های سراسری و تلویزیون دولتی در جامعه فضای رعب و وحشت ایجاد کرده و مردم را عقب براند. غافل از اینکه مردم در ایران

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۱۶ ماه اوت ۲۰۰۷  
www.adpi.net  
manochermasori@yahoo.com  
www.minaahadi.com  
00491775692413  
004670491749

**مردم!**  
**جمهوری اسلامی را عقب برانید!**  
**علیه رژیم اعدام و سنگسار و زندان**  
**در داخل و خارج کشور به میدان بیایید!**

حزب کمونیست کارگری ایران

**مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**